

”

یک روز از صندوق نفت به ما زنگ زدند آقا شما وام نمی‌خواهید؟
[خنده] یکی پیدا شده اسکولمان دارد می‌کند اصلاً تابلو دارند اذیتمان می‌کنند والا ما چیزی نمی‌خواهیم حالا سرکاری است؟
گفت بلند شوید بیایید تهران بلیطتان هم می‌گیریم

معاونت علمی، دکتر اسدی فرد گفت یک هفته‌ای نامه‌ات از آروندان بیاید اینجا که می‌خواهند این قرارداد را ببندند. نامه ما از آروندان رفت آنجا و بهمان زنگ زدند بعد از دو روز گفتند ما می‌خواهیم بیاییم بازدید، آمدند بازدید و یک بنده‌خدایی دکتر مهدی حسن زاده آمد بازدید، و آخرین لحظه گفت خیلی زحمت کشیدی مهندس! من کمترین شرکتی بوده که بروم بازدید بکنم و به این سطح از تکنولوژی رسیده باشند خدایی‌اش این برای ما خیلی خوب بود، گفت من نتیجه‌اش را اعلام می‌کنم و فردانه پس فردایش.

مهندس اگر پرمیت به نام خود من صادر می‌شود من می‌روم. گفت آقا پرمیت من زمانی می‌توانم صادر کنم که قرارداد داشته باشی اگر یک اتفاقی افتاد کی جواب خواهد داد؟ حسینی اصل گفت آقا ما دیگر تأییدیه رادادیم به تو، نشست با مدیرعامل انصافاً مدیرعاملشان عوض شده بود آقای‌گذاری خیلی حمایت کرد پژوهشش خیلی حمایت کرد گفت آقا عیب ندارد تولید بار اول قرارداد می‌بندیم باهاشون ده حلقه چاه قرارداد می‌بندیم. نامه‌مان رفت معاونت علمی. معاونت علمی قبل از اینکه مادانش بنیان بشویم نامه تولید بار اولمان رفته بود

👉 **خب در عمل هم کمک و حمایت کردند یا صرفاً به نامه‌نگاری بسنده شد؟**

بهتان تبصره ۱۸ می‌دهیم. ما قراردادمان یک ۸۰۷ میلیارد بود که ۱۰ میلیارد تومان برایمان تصویب کردند. چه حسن نیت بزرگی اصلاً باورمان نمی‌شد؛ یعنی جدا خود این مصوبه اعتبار بود. ولی انصافاً از نظر اعتباری دیگر صندوق نفت است دیگر اصلاً سهامدار می‌شود شرکت نفت ملی ایران سهامدارت می‌شود شرکت ملی گاز، دیگر از نفت قدرتر نیست آقای‌یک جای کار می‌لنگد احساس کردیم گول داریم

یک روز از صندوق نفت به ما زنگ زدند آقا شما وام نمی‌خواهید؟ [خنده] یکی پیدا شده اسکولمان داردمی‌کند اصلاً تابلو دارند اذیتمان می‌کنند والا ما چیزی نمی‌خواهیم حالا سرکاری است؟ گفت بلند شوید بیایید تهران بلیت هم برایتان می‌گیریم یا هر موقع آمدید تهران بیایید اینجا، بلند شدیم رفتیم تهران. گفتند ما برای اینکه حسن نیتمان را هم نشان دهیم وام تبصره ۱۸ سال ۱۴۰۰ آمده، چقدر قرارداد دارید؟ ما نصفش را

